

The Structure Building of the United States in Iraq and Its Role in the National Security of Iraq

Amir Reza Jafari Harandi¹

Abbas Keshavarz Shekari²

Shohreh Pirani³

Simultaneously with the military occupation of Iraq, the United States established structures in four dimensions: military-security, political, economic and cultural-social. It did not take long for these measures to have an impact on the national security of Iraq. The purpose of the present research is to examine the structure of the United States in Iraq in the four dimensions mentioned and its role on the national security of this country. The method of this research is documentary analysis and data collection is done with the help of library filing tools and by reading books, specialized journals, online articles, student dissertations, and researches and reports of official bodies of the Islamic Republic of Iran on this subject. The findings of this study indicate that the United States, by creating effective structures in Iraq, will institutionalize and deepen its influence in this country and create a way for the independence and national security of Iraq to be held hostage to US interests. In this regard, in the military-security dimension, the United States established institutions such as the Iraqi police and army, the Ministry of Defense, the Iraqi Border Forces and the Iraqi Civil Defense Force. Politically, the United States created the Transitional Government Council, the Provincial Councils, and the Independent High Electoral Commission. In the economic dimension, energy structure, the creation of the Iraqi Development Fund, the revival of the Central Bank and the establishment of the Commercial Bank of Iraq are among the economic institutions created by the United States. The most important socio-cultural institution that the United States established in Iraq is civil society-based structures, especially the Samanids.

Keywords

Structure Building, National Security, United States of America, Iraq.

1. Corresponding author: PH.D Candidate in Political Studies of the Islamic Republic, Shahed University, Tehran, Iran
Reza.jafari2@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran
keshavarz@shahed.ac.ir

3. Assistant Professor, , Department of Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran
Sh_p202@yahoo.com



ساختارسازی امریکا در عراق و پیامدهای آن بر امنیت ملی این کشور

امیررضا جعفری‌هرندی^۱

عباس کشاورزشکری^۲

شهره پیرانی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و دوم - پاییز ۱۴۰۰: ۱۳۱-۱۰۵

چکیده

آمریکا همزمان با اشغال نظامی عراق، اقدام به ایجاد ساختارهایی در ابعاد چهارگانه نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی کرد. دیری نباید که این اقدامات اثر خود را بر امنیت ملی عراق گذاشت. هدف از نگارش این مقاله بررسی ساختارسازی آمریکا در عراق در ابعاد چهارگانه مذکور و نقش آن بر امنیت ملی این کشور است. روش انجام این پژوهش از نوع تحلیل اسنادی بوده و گردآوری داده‌ها با ابزار فیش برداری کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه کتب، نشریات تخصصی، مقالات اینترنتی، پایان‌نامه‌های دانشجویی و پژوهش‌ها و گزارش‌های ارگان‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران پیرامون این موضوع است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که آمریکا با ایجاد ساختارهای مؤثر در عراق، نفوذ خود را در این کشور نهادینه و تعمیق سازد و مسیری ایجاد نماید تا استقلال و امنیتی ملی عراق در رهان و گرو تأمین منافع آمریکا قرار گیرد. در این راستا در بعد نظامی - امنیتی، آمریکا اقدام به تأسیس نهادهایی چون پلیس و ارتش عراق، وزارت دفاع، نیروهای مرزبانی و نیروی دفاع مدنی عراق کرد. در بُعد سیاسی، تشکیل شورای حکومت انتقالی، ایجاد شوراهای استانی و کمیساریای عالی مستقل انتخابات توسط آمریکا ایجاد شد. این در حالی است که در بعد اقتصادی، ساختارسازی در حوزه انرژی، ایجاد صندوق توسعه عراق، احیای بانک مرکزی و تأسیس بانک تجارت عراق از جمله نهادهای اقتصادی ایجادشده توسط آمریکا هستند. مهم‌ترین نهادی که آمریکا در بعد فرهنگی - اجتماعی در عراق ایجاد نمود، ساختارهای مبتنی بر جامعه مدنی به‌ویژه سمن‌هاست.

کلیدواژه‌ها

عراق؛ آمریکا؛ ساختارسازی؛ امنیت ملی.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Reza.jafari2@gmail.com

Keshavarz@shahed.ac.ir

Sh_p202@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

مقدمه

آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی برای تأمین منافع و اهداف بلندمدت خود، خواهان بسط نفوذ در مناطق سوق‌الجیشی و مهم جهان است (باقری، ۱۳۹۰: ۴). از این منظر یکی از مناطق مهم جهانی از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، منطقه غرب آسیاست که در منظومه سیاست خارجی آمریکا نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. وجود منابع عظیم نفتی از نظر اقتصادی و سیاسی، رشد بنیادگرایی اسلامی و خطر تروریسم بین‌المللی و نیز قرابت جغرافیایی کشورهای اسلامی این منطقه با رژیم صهیونیستی، موجب تحولات ژرف و تأثیرگذاری در سیاست بین‌الملل شده است. در این میان عراق که منابع عظیم نفتی در جهان دارد، یکی از کانون‌های اصلی تروریسم در غرب آسیا به‌شمار می‌رود و سابقه مقابله با رژیم صهیونیستی را نیز در کارنامه دارد، در ساختار تصمیم‌گیری آمریکا در اولویت و اهمیت ویژه قرار گرفت. بدین ترتیب با طرح نقشه استعماری آمریکا موسوم به «طرح خاورمیانه بزرگ» در سال ۲۰۰۲ میلادی، عراق به‌عنوان بخش مهمی از این طرح باید تغییرات اساسی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی پیدا می‌کرد تا در ریل اصلاحات آمریکایی، مطابق با طرح خاورمیانه بزرگ قرار می‌گرفت. با توجه به تقابلی که در این زمان میان حاکمیت عراق و آمریکا وجود داشت، امکان اعمال چنین اصلاحاتی جز با تغییر رژیم حاکم بر عراق میسر نبود؛ بنابراین در سال ۲۰۰۳ میلادی دستور حمله به عراق صادر و اشغال آن آغاز شد و پس از آن ایجاد ساختارهای جدید در ابعاد نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی برای تبدیل عراق به منطقه نفوذ آمریکا در دستور کار قرار گرفت؛ لذا پرداختن به این موضوع، شناخت مناسبی را با سازوکار آمریکا در ایجاد ساختارهای جدید در عراق فراهم و کمک می‌کند تا دستگاه سیاست‌گذاری و تحلیل‌گر کشور، شناخت بهتری نسبت به مسائل همسایه غربی خود و مهم‌ترین کشور در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران کسب کنند، از این‌رو بررسی این موضوع ضرورت دارد.

روش انجام پژوهش

روش این پژوهش از نوع تحلیل اسنادی است. روش‌های اسنادی در دسته روش‌های غیرمزاحم و غیرواکنشی جای می‌گیرد؛ چراکه در هنگام استفاده از سایر روش‌ها همچون مشاهده، مصاحبه و ...، مشکل اساسی جمع‌آوری اطلاعات است، حال آنکه هنگام بهره‌گیری از روش اسنادی، اطلاعات موجود هستند (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۲۵۵-۲۵۴). استفاده از اسناد و مدارک زمانی صورت می‌گیرد که با تحقیقی تاریخی در دست انجام



باشد یا آنکه تحقیق، با پدیده‌های موجود مرتبط بوده ولی محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد یا آنکه پژوهش نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید. براین اساس در همین راستا، مبتنی بر شواهدی که از منابع مکتوب به دست آمد فعالیت‌های آمریکا در ابعاد چهارگانه نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی دسته‌بندی شد، سپس اقداماتی که متناسب با چارچوب نظری، ذیل مفهوم ساختارسازی قرار می‌گرفت انتخاب شد. در پایان پس از مشخص شدن ساختارسازی آمریکا در عراق مبتنی بر منابع مکتوب، پیامدهای آن در هر یک از ابعاد چهارگانه مذکور تشریح شد.

ساختارسازی بین‌المللی

کشورهای قدرتمند همواره به دنبال بیشینه کردن منافع خود در عرصه بین‌الملل هستند. یکی از راه‌کارهای مؤثر در این راستا ایجاد ساختارهایی است که بتواند در راستای کسب، حفظ و تقویت منافع آن‌ها عمل نماید؛ از این رو ساختارسازی بین‌المللی ارتباط مستقیمی با منافع کشورهای قدرتمند دارد. در این میان بازیگران خارجی برای اجرای پروژه ساختارسازی موفق، راهی جز تعهد نسبت به اینکه بازیگر اصلی، توان داخلی هر کشور است را ندارند. همان‌طور که چسترمن نیز به درستی به آن اشاره کرده است، «نمی‌توان به این نتیجه رسید که از بیرون کار کنند» (چسترمن، ایگناتیف و تاکو، ۲۰۰۵: ۸). فرایند نهادسازی اگر بدون مالکیت ذی‌نفعان اصلی (چه در سطوح نخبگانی یا سطح اجتماعی در داخل یا خارج از قلمرو دولت) و رهبری سیاسی قوی داخلی باشد، نه تنها در بلندمدت پایدار نخواهد بود؛ بلکه مشروعیت خود را هم از دست خواهد داد (برینگرهو، ۲۰۰۷: ۵۳).

تلقی اقدامات استعماری بسیاری از قدرت‌های استعماری در قرون گذشته به‌عنوان دولت به ساختارسازی، حاکی از کانونی‌بودن عنصر قدرت در این نوع اقدامات در عرصه جهانی است. آمریکا از زمانی که خود را به‌عنوان قدرتی جهانی با اهداف و منافی در سطح جهانی و نقش‌آفرینی بین‌المللی تعریف کرده، در موارد مختلف به ساختارسازی به‌عنوان بخشی از فرایند دولت - ملت‌سازی در مناطق مختلف جهان مبادرت ورزید.

اقدامات ساختارسازی آمریکا در اواخر قرن نوزدهم و قبل از جنگ جهانی اول به دلیل راهبرد انزوای قاره‌ای آمریکا به خارج از مرزهای این قاره گسترش پیدا نکرد؛ اما با بین‌المللی شدن قدرت آمریکا به‌ویژه با تبدیل این کشور به یکی از دو ابرقدرت نظام دوقطبی پس از جنگ جهانی دوم و تعریف جهانی از اهداف و منافع خود، اقدامات این کشور گستره‌ای بین‌المللی یافت.



با فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، تمایل آمریکا به ایجاد نظام تک قطبی، این کشور را به سوی ساختارسازی‌های بیشتر پیش برد. رهبران آمریکا احساس کردند محدودیت‌های دوره نظام دوقطبی در برابر اعمال قدرت آن‌ها در عرصه جهانی بسیار کم شده است و می‌توانند اهداف، منافع و نقش بین‌المللی وسیع‌تری برای آمریکا تعریف کنند. براین اساس حوزه‌های نفوذ جدیدی مانند غرب آسیا برای آمریکا اهمیت یافت و ساختارسازی‌های این کشور در افغانستان و عراق در چارچوب شرایط جدید انجام گرفت (اسدی، ۱۳۹۱:۱۳۲)

در دوره بوش، ساختارسازی به‌عنوان راهبرد و ابزاری برای مبارزه با تروریسم و به‌عنوان بهترین دفاع مطرح شد؛ درحالی‌که این تفکر موردانتقاد فراوان قرار گرفت و استفاده از نیروی نظامی و زور برای تغییر شرایط و مبارزه با تروریسم ازسوی بسیاری رد شد. در این راستا استدلال شد که حل چالش‌ها، مشکلات و ناامنی‌های کنونی جهان، مستلزم اقدامات بنیادی‌تر در دوره زمانی طولانی‌تر است که فراتر از ساختارسازی مبتنی بر نظامی‌گری است (دمپسی، ۲۰۰۲: ۱۰).

ساختارسازی آمریکا ابعاد متعدد سیاسی، نظامی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی دارد؛ اما هدف نهایی هرگونه اقدام و تلاش این‌چنینی آمریکا، کمک به ارتقای منافع این کشور در عرصه جهانی است. حفظ نظم جهانی کنونی به رهبری آمریکا، نقشی سیاسی در ارتقای منافع این کشور دارد و در این راستا گسترش ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای آمریکایی، عاملی اساسی در حفظ و تداوم نظم بین‌المللی موجود تلقی می‌شود.

۱- تأسیس ساختارهای نظامی - امنیتی آمریکایی

آمریکا برای ساختن عراقی که بتواند به‌عنوان «شریکی برای آینده»^۱ قرار گیرد، پیش و بیش از هر چیز نیازمند ساختاری است که طی آن امنیت مدنظر آمریکا را تأمین سازد. ازاین‌رو از ابتدا و پیش از استقرار دولت قانونی در عراق اقدام به ریل‌گذاری و ساخت ساختارهای نظامی - امنیتی در این کشور نمود. آنچه در ذیل به آن اشاره می‌شود، ساختارهای نظامی - امنیتی عراق است که توسط آمریکا ایجاد شده است.

۱-۱- سرویس پلیس عراق (IPS)^۲

ابتدای اشغال عراق، آمریکا تصور می‌کرد نیروهای پلیس این کشور برخلاف سایر نیروهای امنیتی تحت رژیم صدام مانند ارتش و دستگاه اطلاعاتی عراق، ابزار سرکوب



1. Partnership For the Future
2. Iraqi Police Service

دیکتاتوری نباشند. این امر باعث شد تا مقامات ائتلاف انتظار داشته باشند که پس از برکنارشدن صدام از قدرت، بتوان از ظرفیت پلیس برای برقراری نظم در این کشور بهره برد؛ اما هجوم گسترده مردم به مراکز دولتی و نظامی و غارت عمومی در این کشور نشان داد این توقع سراب و توهمی بیش نبوده است. گرچه پلیس عراق در زمان حاکمیت بعث به اندازه دستگاه اطلاعاتی و ارتش ابزار سرکوب نبود؛ اما واقعیت این بود که پلیس اختیارات و صلاحیت کمی داشت. آن‌ها مشهور به فساد بودند و کمترین اعتماد را در سرویس‌های امنیتی تحت امر صدام داشتند و پس از اشغال هم، زیرساخت‌های آن‌ها تقریباً به‌طور کامل نابود شد، بنابراین آمریکا تصمیم به نهادسازی در نیروهای پلیس عراق گرفت.

در اوایل ماه می ۲۰۰۳ میلادی تصمیم گرفته شد در شرایط جنگ‌زده عراق، ماهیانه مبلغ ۲۰ دلار به نیروهای پلیس و آتش‌نشان اختصاص یابد. هدف از این تصمیم از یک سو ایجاد انگیزه میان نیروهای پلیس و آتش‌نشانان برای بازگشت به کار و از سرگیری فعالیت‌هایشان بود و از سوی دیگر، مشوقی برای جذب نیروهای جدید جهت استخدام در این بخش به‌شمار می‌رفت (فینمن، ۲۰۰۳). این اقدام سبب شد تا خیلی زود ۱۰ هزار نفر مشغول به فعالیت شوند (Pisik, 2003)؛ اما علی‌رغم این مشارکت، غارت، آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه، هم‌چنان شهرهای مختلف عراق را آزار می‌داد (دانشفلسکی، ۲۰۰۳). این مشکل در مناطق شمالی عراق که تحت کنترل کردها بود، به‌جز کرکوک و موصل، کمتر دیده می‌شد؛ چراکه در این مناطق نیروهای پلیس به کار خود ادامه‌داده و مانع از هرج‌ومرج و آشوب فزاینده شده بودند. در این میان سرلشکر دیوید اچ پترائوس^۱ که مسئول شمال بود، طی اقدامی جنجالی ۱۰۰۰ افسر سابق ارتش عراق را برای کمک به برقراری نظم در موصل استخدام کرد (شردان، ۲۰۰۳).

برنارد کریک^۲ که توسط جرج بوش به‌عنوان وزیر کشور عراق در شورای اداری موقت ائتلاف منصوب شده بود، در بدو ورود به بغداد، ساختن نهاد پلیس را به‌عنوان اولین اولویت خود در نظر گرفت و با توجه به سابقه‌ای که پیش از این به‌عنوان رئیس اداره پلیس نیویورک داشت، برای افزایش نیروی پلیس برنامه‌ریزی کرد (یونتر، ۲۰۰۳). در مدتی که برنارد کریک متصدی وزارت کشور عراق در شورای اداری موقت ائتلاف بود، توانست ۳۵ ایستگاه پلیس

1. David H. Petraeus
2. Bernard Kerik



مشمول بر ۴۰۰۰۰ نیروی پلیس را ایجاد نماید. در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۳ میلادی، دفتر کریک اولین برنامه ادغام انتقالی (TIP)^۱ را در بغداد آغاز کرد. طی این برنامه، یک دوره آموزش سه هفته‌ای برای افسران پلیس عراق طراحی شده بود (چی، ۲۰۰۳: ۲).

هدف اولیه شورای اداره موقت ائتلاف، این بود که تا سپتامبر ۲۰۰۴ تعداد ۷۱۰۰۰ پلیس در سراسر عراق مستقر شوند (گراهام و چاندراسکاران، ۲۰۰۳). برای رسیدن به این تعداد، CPA حقوق ماهیانه نیروهای پلیس را ۱۲۰ دلار در ماه تعیین کرد و همین امر باعث شد هزاران عراقی برای استخدام در نیروی پلیس اقدام کنند. در ماه نوامبر، CPA اعلام کرد که تعداد نیروهای امنیتی عراقی مستقر در کل کشور ۸۵۰۰۰ نفر است که از این تعداد، ۵۰۰۰۰ نفر را نیروهای پلیس تشکیل می‌دهند. این میزان تا ۳۰ ژوئن سال ۲۰۰۴ به حدود ۹۰۰۰۰ نیروی پلیس رسید (پلیس عراق در حال آموزش یک فلاپ، ۲۰۰۴).

در حوزه ساخت نهاد پلیس در عراق، از ابتدای اشغال این کشور تا مارس ۲۰۰۴ میلادی، وزارت کشور، شورای اداری موقت ائتلاف و پس از آن، کارگروه مشترک ۷ (CJTF7) مسئولیت تجهیز نیروی پلیس و بازسازی مراکز پلیس را به عهده داشتند. از ۶۱ مرکز پلیس در بغداد در هفته‌های اول سقوط صدام، ۶۰ مورد سوزانده و غارت شده بودند؛ لذا این ساختمان‌ها برای کارایی مؤثر نیروی پلیس، نیاز به بازسازی و مرمت داشتند. علاوه بر این، وزارت کشور و شورای اداری موقت ائتلاف بر قراردادهای، به شرکت‌هایی که اسلحه و سایر تجهیزات لازم را برای نیروی پلیس جدید تأمین می‌کردند، نظارت داشتند، بنابراین همان‌گونه که بیان شد ایجاد پلیس عراق، ارائه آموزش‌های تخصصی و تجهیز نیروهای پلیس، توسط آمریکا صورت گرفت (بسته اطلاعاتی وزارت کشور - نیروهای امنیتی).

۱-۲- نیروهای حفاظت از اماکن (حساس)

با سقوط صدام و اشغال عراق توسط آمریکا، موجی از هرج و مرج و ناامنی فضای عراق را پر کرد. شورای اداری موقت ائتلاف برای محافظت از زیرساخت‌هایی هم‌چون سایت‌های اطراف صنعت نفت، شبکه برق و بندر امام‌القصر، انبارها، ساختمان‌های دولتی، مدارس، بیمارستان‌ها و سایر مکان‌های مهم، طی دستور شماره ۲۷ در ۴ سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی اقدام به ایجاد نیرویی تحت‌عنوان خدمات حفاظت از تأسیسات^۲ (FPS) نمود (جانسون و



1. Transitional Integration Program
2. The Facilities Protection Services

باریونوو، ۲۰۰۳). وظیفه اصلی این نیروها در کنار ۱۵۰۰۰ نیروی امنیتی خصوصی که برای محافظت از مناطق نفتی عراق استخدام شده بودند، حراست از اماکن مهم عراق بود (پلهام، ۲۰۰۳). نیروهای محافظت‌کننده از اماکن حساس که عمدتاً از سربازان و نگهبانان سابق عراق استخدام می‌شدند (پترسون، ۲۰۰۳)، به‌عنوان اولین نیروهایی بودند که توسط شرکت امنیتی خصوصی مستقر در نیویورک به نام «کرول اینک»^۱ با هماهنگی نیروهای ائتلاف تحت تعلیم رسمی قرار گرفتند (هریس، ۲۰۰۳). شورای اداری موقت ائتلاف حقوق ماهیانه این نیروها را ۵۰ دلار در نظر گرفته بود که به اقتضای شرایط در ابتدا تا دو برابر حقوق هم به آن‌ها پرداخت می‌شد. بیشتر نیروها در آکادمی عمومی بغداد که محل آموزش پلیس عراق و پلیس مرزی بود، آموزش دیدند (چی، ۲۰۰۳: ۱۷). گرچه وظیفه اصلی این نیروها محافظت از اماکن مهم عراق بود؛ اما سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و استانداردهای کلی آموزشی آن‌ها توسط وزارت کشور و شورای اداری موقت ائتلاف تنظیم و هماهنگ می‌شد (شماره سفارش، ۲۰۰۳: ۳).

۱-۳- مرزبانی

مرزهای عراق همواره یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های امنیتی آن بوده است. عراق با شش کشور مرز مشترک دارد. پیش از پایان حکومت صدام و در شرایطی که پایه‌های حکومتی آن روبه سستی رفته بود، مرزهای این کشور توسط مهاجران غیرقانونی، تروریست‌ها، قاچاق سلاح و کالا همواره مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت (بارنارد، ۲۰۰۴). با درک ضرورت مراقبت از مرزها، از ژانویه ۲۰۰۴ میلادی نیروهای آمریکایی اقدام به جذب و آموزش افرادی برای فعالیت در مرزبانی کردند. این آموزش‌ها مشتمل بر یک دوره هشت‌هفته‌ای در کنار دوره دوهفته‌ای به‌عنوان دوره تکمیلی می‌شد که ابتدا در آکادمی عمومی بغداد صورت می‌گرفت و سپس یک مرکز آموزش خاص مرزبانی با قابلیت آموزش ۱۰۰۰ نفر در هر دوره، توسط شورای اداری موقت ائتلاف در سلیمانیه احداث شد (بسته اطلاعاتی وزارت کشور—نیروهای امنیتی). شورای اداری موقت ائتلاف تلاش داشت تا ژوئن ۲۰۰۴ میلادی، تعداد ۲۵۰۰۰ نفر را با حقوق ماهیانه ۶۰ دلار به عضویت مرزبانی درآورد (ریچی، ۲۰۰۳) که براساس گزارش‌های موجود، ۱۷۰۰۰ نفر از این میزان به وقوع پیوست (گتلمن، ۲۰۰۴).

۱-۴- وزارت دفاع

با دستور شماره ۲ شورای اداری موقت ائتلاف، وزارت دفاع سابق عراق (در زمان صدام حسین) منحل شد (شماره سفارش ۲، ۲۰۰۴: ۱). آمریکا برای ایجاد وزارت دفاع جدید از مشاورانی از انگلستان، اسپانیا، استرالیا، جمهوری چک و استونی بهره گرفت. به همین جهت است که این وزارتخانه از بسیاری جهات از جمله سیاست‌گذاری دفاع و جذب کادر با نمونه‌های مشابه در آمریکا، انگلیس و تا حدودی استرالیا شباهت دارد. وظیفه اصلی که برای این وزارتخانه تعیین شده است، نظارت بر نیروهای مسلح عراق و تدوین سیاست‌های دفاعی این کشور است (شماره سفارش ۶۷، ۲۰۰۴: ۲).

با توجه به اینکه تلاش برای ساختن وزارت دفاع، شامل طیف وسیعی از وظایف می‌شد، کارکنان CPA مجبور بودند برای تشکیل هسته اصلی کارکنان وزارت دفاع و تأمین آموزش آن‌ها، افراد واجد شرایط را شناسایی کنند که این تلاش از طریق دانشگاه دفاع ملی^۱ و مؤسسه صلح آمریکا^۲ انجام گرفت. در این میان دفتر امور امنیت ملی شورای اداری موقت ائتلاف، با کمیته امنیت شورای حکومتی عراق به ریاست ایاد علاوی برای شناسایی پرسنل ارشد وزارت دفاع همکاری کرد. با دستور شماره ۶۷ شورای اداری موقت ائتلاف، وزارت دفاع جدید به‌طور رسمی ایجاد شد و تعدادی از اعضای اصلی در آن مستقر شدند؛ اما طبق همین دستور، چارچوب قانونی ایجادشده در وزارتخانه می‌بایست تعریف و تنظیم می‌شد (همان ۱۰).

۱-۵- ارتش

طراحی اولیه‌ای که ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) برای نیروهای مسلح عراق در نظر گرفته بود، ساختاری مشتعل بر سه لشکر با مجموع ۴۰۰۰۰ نیرو بود. طراحی به‌نحوی بود که این نیرو ماهیت دفاعی داشته باشد تا از نظر همسایگان به‌عنوان نیروی تهاجمی شناخته نشود؛ لذا مأموریت اصلی آن دفاع در برابر تهدیدات خارجی بود. با توجه به اینکه سران ارتش صدام حسین را اهل سنت تشکیل می‌داد و شیعیان به‌عنوان پیاده‌نظام در آن خدمت می‌کردند و تبعیض زیادی میان اهل سنت و شیعیان در ارتش عراق بود، آمریکایی‌ها مصمم به تشکیل ارتشی بودند که ترکیب قومی - مذهبی عراق را متعادل کند (درگاهی، ۲۰۰۴).



1. National Defense University
2. U.S. Institute of Peace

ارتش جدید عراق به‌طور رسمی در ۷ آگوست سال ۲۰۰۳ از طریق دستور شماره ۲۲ شورای اداری موقت ائتلاف به‌وجود آمد (شماره سفارش ۲۲، ۲۰۳۳: ۳). حقوق اولیه نیروهای تازه‌استخدام‌شده ماهیانه ۶۰ دلار بود که با گذشت زمان حقوق و دستمزدها متناسب با موقعیت و درجه تغییر یافت. مقامات ائتلاف برای جذب سربازان احتمالی از سراسر گروه‌های قومی و مذهبی عراق تلاش می‌کردند (دانیشفسکی، ۲۰۰۳). در ژوئیه سال ۲۰۰۳ میلادی، سرلشکر ایتون^۱ اعلام کرد که قصد دارد یک گردان پیاده نظام مکانیزه سبک با تعداد ۱۰۰۰ سرباز را تا اکتبر سال ۲۰۰۳ میلادی تشکیل دهد و هشت گردان دیگر را هم تا پایان سال ۲۰۰۴ آماده سازد (کخ، ۲۰۰۳).

به‌دنبال وقوع سلسله بمب‌گذاری‌ها در عراق از جمله حملات به سفارت اردن، مقر سازمان ملل متحد و برخی از مساجد شیعیان در نجف اشرف و نیز افزایش حملات علیه نیروهای ائتلاف، پنتاگون از برنامه‌های خود برای تسریع در تأسیس و استقرار نیروهای عراقی خبر داد (پرسیت، ۲۰۰۳). براین اساس اسلوکومب اعلام کرد که هدف جدید پنتاگون، آماده‌سازی ۲۷ گردان در مدت ۱۲ ماه است که دو برابر سریع‌تر از برنامه استقرار اولیه بود. (شانکر، ۲۰۰۳). علاوه‌براین، یک نیروی هوایی و یک نیروی دفاعی ساحلی به ساختار برنامه‌ریزی‌شده برای نیروهای عراقی اضافه شدند (کوردسمن، ۲۰۰۴). این درحالی است که نیروی ضدتروریسم عراق که واجد یک ساختار عملیاتی سریع بود، با دستور شماره ۶۷ شورای اداری موقت ائتلاف (ذیل دستوری که وزارت دفاع را ایجاد کرد)، به نیروهای مسلح عراق اختصاص یافت (شماره سفارش ۶۷، ۲۰۰۳: ۳).

۱-۶- نیروی دفاع مدنی عراق (ICDC)^۲

شکل‌گیری نیروی دفاع مدنی عراق را می‌توان پاسخی به نیاز نیروهای ائتلاف در شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات و گشت‌زنی دانست. طرح ایجاد این نیرو به‌عنوان یک نیروی پشتیبانی در تابستان سال ۲۰۰۳ به مقامات CPA و پنتاگون ارائه شد و مقرر گردید بودجه آن از برنامه واکنش سریع فرمانده (CERP)^۳ تأمین شود. این نیرو با دستور شورای اداری موقت ائتلاف در سوم سپتامبر ۲۰۰۳ تشکیل شد (مقررات دستورات، ۲۰۰۷). ساختار کوچک نیروی دفاع مدنی عراق (ICDC) پس از مدتی به ۱۸ گردان و درنهایت به ۳۶ گردان رسید، به‌نحوی که دفاع مدنی یک واحد مهم برای نیروهای مسلح

1. General Eaton
2. Iraqi Civil Defense Corps
3. Commander's Emergency Response Program

عراق به شمار آمد. در کنار تکمیل ساختار دفاع مدنی، تعداد اعضای آن نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشت و به بیش از ۲۵۰۰۰ نیرو رسید (Squitieri and Carey, 2003).

۱-۷- ساختار موقت کمیته امنیت ملی

با توسعه ساختارهای امنیتی دولت عراق، نیاز به نهادی جهت هماهنگی میان نهادهای اطلاعاتی - امنیتی بیش از پیش احساس شد، از این رو دفتر امور امنیت ملی در داخل شورای اداری موقت ائتلاف، این وظیفه را برعهده گرفت. براین اساس هماهنگی در امور امنیتی میان این شورا، مشاوران آمریکایی وزارت کشور عراق و کارگروه مشترک ۷ (CJTF-7) توسط این دفتر صورت می‌گرفت.

در ماه آوریل سال ۲۰۰۴ میلادی، پل برمر به‌عنوان مسئول شورای اداری موقت عراق طی فرمان شماره ۶۸، کمیته وزارتی امنیت ملی (MCNS)^۱ عراق را تأسیس کرد. این کمیته شامل وزرای دفاع، دادگستری، کشور، امور خارجه و دارایی بود و ریاست آن را پل برمر برعهده داشت. علاوه بر رئیس دولت و وزرای ذکرشده، مشاور ارشد نظامی دولت عراق، مدیرکل سرویس اطلاعات ملی عراق (INIS) و مشاور امنیت ملی عراق نیز در آن حضور داشتند. علاوه بر این به مقتضای موضوعات و مسائل، سایر وزرا نیز ممکن بود به جلسات این کمیته دعوت شوند.

گرچه ساختارسازی نظامی - امنیتی آمریکا در عراق نتوانست به‌صورت «کامل» تحقق یابد، اما باعث شد تا آمریکا نفوذ قابل توجه خود را در این حوزه ایجاد کرده و تعمیق بخشد و این، به‌عنوان پیامد اصلی ساختارسازی آمریکا در بعد نظامی - امنیتی در عراق به‌شمار می‌رود. به‌عبارت دیگر آمریکا به‌دنبال ایجاد ساختار توانمندی در بعد نظامی - امنیتی در عراق نبود، بلکه تلاش‌های آمریکا در این بعد ناظر به نفوذ در این کشور بود. استمرار فعالیت‌های تروریستی در زمان اشغال نظامی عراق توسط آمریکا، افزایش گروه‌های تروریستی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، قدرت‌یابی دوباره امنیتی حزب بعث در عراق، بروز و ظهور داعش و سلطه بر نیمی از اراضی عراق پس از خروج نیروهای آمریکایی از این کشور، شکل‌گیری ائتلاف مبارزه با داعش به رهبری آمریکا و درنهایت عدم توفیق نیروهای عراقی در مقابله با شورش‌های ضددولتی در این کشور، بیانگر آن است که ساختار نظامی - امنیتی ساخته آمریکا در عراق، فاقد توانمندی لازم برای دفاع از تمامیت ارضی عراق در برابر تهدیدات داخلی و خارجی و مؤید این گفتار است.



۲- ساختارسازی سیاسی آمریکا در عراق

با اتمام عملیات نظامی آمریکا در عراق و سقوط صدام حسین، ساختارسازی سیاسی آمریکا در این کشور مدنظر قرار گرفت. این مرحله مقارن با ایجاد شورای اداری موقت ائتلاف (CPA) بود. در پی تشکیل شورای اداری موقت ائتلاف، آمریکا نیاز به چهره عراقی اشغالگر داشت؛ لذا مبادرت به ایجاد شورای حکومتی عراق (IGC) نمود. علاوه بر این شوراهاستانی و کمیساریای عالی انتخابات، از دیگر ساختارهای ساخته شده توسط آمریکا در عراق در بعد سیاسی هستند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱- شورای حکومت انتقالی

در ۱۳ ژوئیه و پس از چندین دور مذاکره میان شورای اداری موقت ائتلاف و رهبران اصلی عراق، برمر از ایجاد یک نهاد سیاسی جدید به نام شورای حکومتی عراق (IGC) خبر داد. این شورا که توسط شورای اداری موقت ائتلاف انتخاب شد، علاوه بر اینکه دربرگیرنده شش حزب سیاسی عمده عراق یعنی کنگره ملی عراق، مجلس اعلای انقلاب اسلامی، حزب الدعوه، اتحادیه میهنی کردستان عراق، حزب دموکراتیک کردستان و آستی ملی عراق بود، شامل احزاب جزئی و اشخاص مستقل هم می‌شد (تایلر، ۲۰۰۳). با وجود شورای حکومتی عراق که نهاد ساخته شده توسط آمریکا بود؛ اما هم‌چنان شورای اداری موقت ائتلاف، بالاترین مقام حاکم در عراق محسوب می‌شد. اولین اقدام IGC انتخاب هیئتی برای سفر به مقر سازمان ملل متحد در نیویورک و ایجاد سه کمیته فرعی بود که وظیفه تهیه پیش‌نویس قانون اساسی، بیانیه سیاسی و دستور کار جلسات آینده را به عهده داشت (چاندراسکاران، ۲۰۰۳).

درحالی‌که شورای حکومتی عراق از یک سو منتسب به آمریکایی‌ها و از این حیث، فاقد مشروعیت برای ملت عراق بود و چهره عراقی نیروهای اشغالگر به‌شمار می‌رفت و از سوی دیگر، نتوانسته بود عملاً اقدام مؤثری برای کاهش ناامنی فزاینده در عراق صورت دهد، وسعت خشونت‌ها دامان آن‌را گرفت و اعضای آن هدف حملات گروه‌های مسلح قرار گرفتند (درازن، ۲۰۰۳)؛ به‌طوری‌که در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳، عقيله الهاشمی، یکی از اعضای شورای حکومتی درحالی‌که در بغداد در اتومبیل خود بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت (زرزویا، ۲۰۰۳). در ۱۷ می ۲۰۰۴ نیز، عزالدین سلیم، سرپرست موقت رئیس‌جمهور عراق در ماه می در بغداد ترور شد (ویلسون، ۲۰۰۴). این نهاد آمریکایی از سوی شورای اداری موقت ائتلاف موظف شد تا افرادی را برای وزارتخانه‌های مختلف در نظر بگیرد. پس از

۶ هفته مذاکره، شورای حکومتی با افزایش تعداد وزارتخانه‌ها از ۲۱ به ۲۵ عدد، افرادی را به‌عنوان سرپرست برای آن برگزید (ویلسون، ۲۰۰۳).

۲-۲- ایجاد شوراهای استانی

ازجمله اقدامات آمریکا در حوزه ساختارسازی سیاسی در عراق، ایجاد شوراهای استانی است. براین‌اساس پس از اشغال نظامی عراق و نیاز به ایجاد ثبات در این کشور، نظامیان حاضر در صحنه با همکاری مسئولان محلی اقدام به تشکیل شوراهای استانی کردند. شوراهای استانی که در چارچوب توسعه سیاسی در عراق تعریف می‌شدند، با هدایت و راهبری نهادهای آمریکایی عمل می‌کردند. برای پیشبرد هرچه بهتر این شوراها، در ۱۱ آوریل ۲۰۰۳ میلادی، پنتاگون با مؤسسه تحقیقاتی مثلث (RTI)^۱ در کارولینای شمالی^۲ قراردادی امضا کرد (ناتسیوس، ۲۰۰۴). براین‌اساس این مؤسسه با همکاری شورای اداری موقت عراق (CPA)، شورای حکومتی عراق و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) برای ایجاد زیرساخت‌های سیاسی در عراق «از ابتدا»^۳، فعالیت خود را آغاز نمود (RTI, 2007). در این راستا مؤسسه تحقیقاتی مثلث (RTI) و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا سه طرح زیر را با هدف تقویت حاکمیت‌های محلی در عراق آغاز کردند:

- برنامه حاکمیت محلی که به‌طور خاص بر توسعه شوراهای استانی و شهری متمرکز داشت؛
- برنامه‌های اقدام اجتماعی که متمرکز بر توسعه گروه‌های جامعه برای رفع نیازهای اساسی در محلات و تأمین اطلاعات از طریق این گروه‌ها بود و
- طرح انتقال عراق که علاوه بر تقویت جامعه مدنی و رسانه‌ها، بر بازسازی زیرساخت‌های حیاتی مانند ساختمان‌های شهرداری، مدارس و کلینیک‌ها متمرکز بود (USAID, 2008).

در ماه می سال ۲۰۰۳، تنها یک ماه پس از سقوط دولت صدام، چندین شهر، شوراهای محلی را تشکیل دادند و شهرداریانی را با حمایت نیروهای آمریکایی برای خود انتخاب کردند. در ۵ می ۲۰۰۳، موصل با پشتیبانی آمریکا، یک دولت موقت ۲۴ نفره را انتخاب کرد که طی آن یک شهردار را نیز برای خود برگزیدند (Tavernise, 2003)؛ هرچند تشکیل شوراها در شهرهای شیعه‌نشین همچون نجف اشرف و بصره به‌دلیل ترس آمریکا از

1. Research Triangle Institute
2. North Carolina
3. From the ground up



شکل‌گیری قدرت‌های محلی مخالف خود صورت نگرفت؛ اما منابع موجود در این زمینه خبر از ایجاد شوراهای محلی و در پی آن، انتخاب شهرداران مناطق توسط آمریکا در ده شهر عراق می‌دهند (بوت و چندرسکاران، ۲۰۰۳).

در این میان شورای اداری موقت ائتلاف، برای هماهنگی میان نهادهای مختلفی که در زمینه نهادسازی سیاسی در عراق فعالیت می‌کنند - از جمله ارتش، غیرنظامیان، سازمان‌های دولتی مانند آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا و سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه حکمرانی در هر استان - کارگروهی را تشکیل داد. کارگروه دیگری نیز برای توسعه سیاسی محلی و ایجاد شوراهای شهری و استانی در عراق شکل گرفت. اندازه این کارگروه‌ها در هر استانی نسبت به استان دیگر متفاوت بود. به‌عنوان مثال کارگروه بصره حدود ۵۰۰ عضو داشت؛ درحالی‌که کارگروه دیگر استان‌ها کوچک‌تر بودند. هر یک از مجموعه‌های شکل‌گرفته مشتمل بر چهار زیرمجموعه بودند که هماهنگ‌کننده امور فرمانداری - که از نیروهای آمریکایی بود و به‌عنوان فرماندار در سایه عمل می‌کرد - نیز بر این چهار بخش نظارت داشت. این چهار زیرمجموعه عبارتند از:

۱. مجموعه‌ای از نمایندگان شورای اداری موقت ائتلاف (CPA) که وظیفه نظارت بر تحولات در سطح استانی و رابط میان مسئولان محلی و شورای اداری موقت ائتلاف را به‌عهده داشت؛
۲. مجموعه‌ای از آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا (USAID) و مؤسسه تحقیقاتی مثلث (RTI) که مسئولیت اجرایی تشکیل مؤسسات مربوط به جامعه مدنی و نیز آموزش فرهنگ سیاسی را به‌عهده داشتند؛
۳. شورای بازسازی و توسعه عراق (IRDC)^۱ متشکل از معارضین سابق عراقی که تا پیش از سقوط صدام خارج از عراق به‌سر می‌بردند و می‌توانستند در اداره دولت مورد نظر آمریکا کمک‌های تخصصی و فنی ارائه دهند (IRDC, 2007) و
۴. مجموعه‌ای از نیروهای نظامی ائتلاف از جمله نیروهایی که در حوزه امور مدنی از ابتدای اشغال عراق در این کشور حضور داشتند و به توسعه سیاسی کمک می‌کردند.

پس از شکل‌گیری کارگروه‌های مذکور از نوامبر ۲۰۰۳ میلادی، شورای اداری موقت ائتلاف، فرایند «بازآرایی»^۲ را با هدف افزایش مشروعیت دولت‌های استانی و شهری آغاز

کرد. علاوه بر این، شورای اداری موقت ائتلاف، سیاستی را آغاز کرد که به دولت‌های استانی اجازه می‌داد وجوهی را مستقل از بودجه دولت فدرال خرج کنند. در این میان شورای اداری موقت ائتلاف به برخی از شوراهای استانی، یک میلیون دلار اعطا کرد و پس از آن مبالغ بیشتری را نیز به آن‌ها اختصاص داد. گرچه در ظاهر این اقدام باعث می‌شد از یک سو فعالیت‌های استانی متوقف به تصمیم بغداد نباشد، امور سرعت بیشتری به خود بگیرند، شوراها را نیز توانمند می‌کرد تا به صورت مستقیم پاسخگوی نیازهای مردم باشند و از این حیث موجب افزایش مشروعیت آن‌ها می‌شد اما از سوی دیگر نیز خودمختاری بیشتری به شوراهای استانی استان‌ها، به‌ویژه در زمینه سیاست‌های مالی می‌داد. اما واقعیت نشان داد این کار، حربه‌ای برای توانمند کردن قدرت‌های محلی به‌ویژه اهل سنت و اکراد در برابر قدرت‌یابی شیعیان وابسته به ایران بود، به‌خصوص اینکه آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا در گزارشی با عنوان «دموکراسی در عراق» در ماه می ۲۰۰۴ که از وضعیت توسعه سیاسی و تقویت شوراهای استانی منتشر کرد، از ارائه خدمات به ۴۴۵ محله، ۱۹۴ زیربخش، ۹۰ منطقه و ۱۶ شورای فرمانداری شهری و استانی خبر داد (USAID, 2008). علاوه بر این، خبر از ایجاد بیش از ۶۶۰ گروه اقدام در ۱۷ استان داد که به آغاز ۱۳۹۵ پروژه با هدف ایجاد جامعه مدنی کمک می‌کند. هم‌چنین بیش از ۴۸ میلیون دلار کمک بلاعوض برای آموزش مدنی، جامعه مدنی، رسانه‌ها، مشارکت زنان و کاهش منازعات اعطا کرده است (USAID, 2008). این آژانس در گزارش سالانه خود با عنوان «یک سال در عراق» ادعا کرد بیش از ۸۰ درصد جامعه بزرگسال عراق طی یک سال گذشته تحت برنامه‌های آمریکا با محوریت دموکراسی و حکومت‌های استانی بوده‌اند (USAID, 2007: 11).

۲-۳- کمیساریای عالی مستقل انتخابات

گرچه آمریکا با شعار آزادی و برقراری دموکراسی در عراق به این کشور حمله نظامی کرد؛ اما به دنبال استقرار شکلی از دموکراسی بود که در پرتو آن بتواند منافع حداکثری خود را تأمین نماید، از این رو لازم بود ضمن اجرای انتخابات به‌عنوان نمایشی از دموکراسی، سازوکاری طراحی نماید که نتایج دلخواه خود را از آن کسب نماید. بر این اساس اقدام به ایجاد نهادی به‌عنوان مجری انتخابات به‌نام کمیساریای عالی مستقل انتخابات در قالب پروژه حمایت از انتخابات کرد. «پروژه حمایت از انتخابات» ارائه‌دهنده کمک‌های فنی و نظارتی و آموزش‌های لازم به کمیساریای عالی مستقل انتخابات (IHEC)^۱ است. باید



1. Independent High Electoral Commission

توجه داشت که کمیساریای عالی انتخابات^۱، مجری انتخابات عراق بوده و از سال ۲۰۰۴ تاکنون انتخابات عراق را مدیریت کرده است (USAID, 2013).

طی تفاهم‌نامه‌هایی که آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا با کمیساریای عالی امضا کرده است، این مرکز در تلاش است تا برای هر دوره انتخاباتی، مقدمات انتخابات را فراهم نماید. آژانس توسعه فراهم کردن کادر و آموزش آن‌ها به صورت حرفه‌ای را در انتخابات عراق دنبال می‌کند. به طور مثال در سال ۲۰۱۳ میلادی، تفاهم‌نامه‌ای به منظور فراهم آوردن مقدمات انتخابات استانی ۲۰۱۳ بین سفارت ایالات متحده و کمیساریای عالی انتخابات امضا شد که بر مبنای آن قرار شد آژانس توسعه برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت انتخابات، روابط خارجی و توانمندسازی کادر انتخابات را در انتخابات استانی برعهده بگیرد. نکته قابل توجه در ارتباط بین همکاری‌های آژانس توسعه و سفارت آمریکا در عراق این است که سفارت، این کار را به نماینده خود یعنی آژانس توسعه ایالات متحده محول کرده است (السفارة الامریکیة فی العراق، ۲۰۱۳).

مهم‌ترین معضل در روند ساختارسازی سیاسی آمریکا در عراق، فقدان امنیت ناشی از سقوط رژیم بعث در این کشور بود. استمرار ناامنی و شدت گرفتن آن در برهه اشغال عراق و عدم موفقیت نیروهای ائتلاف در بهبود فضای امنیتی بر بهره‌وری ساختارسازی آمریکا در عراق تأثیر منفی گذاشت. از دیگر مشکلات آمریکا در این راستا تأکید و اصرار آمریکا بر استفاده از عناصری بود که در دوره حاکمیت بعث خارج از این کشور به سرمی‌بردند. غالباً این افراد حداقل ۱۰ سال دور از عراق زندگی کرده بودند و با شرایط و نسل جدید این کشور آشنایی نداشتند، از این رو وقتی زمام امور را از طرف آمریکایی‌ها به دست گرفتند مقبول مورد پذیرش جامعه نبودند. از سوی دیگر عدم توجه به میزان نفوذ و اثرگذاری جریان‌های اسلام‌گرا در عراق و اصرار به روی کار آوردن افراد و جریان‌های سکولار در این کشور نیز عامل دیگری بود که سبب شد جامعه عراق احساس قربتی با اقدامات سیاسی آمریکا در عراق نکند. عدم توجه به جایگاه و نقش مرجعیت شیعه در مناسبات سیاسی، مسأله دیگری بود که در روند ساختارسازی سیاسی آمریکا در عراق خلل ایجاد کرد؛ چه اینکه مرجعیت عراق بازیگر تعیین‌کننده در صحنه سیاسی این کشور به‌شمار می‌رود. فارغ از ارزیابی ساختارسازی

۱. (IHEC) موظف به اعلام و اجرای قوانین، مقررات و روش‌های مربوط به فرآیند و انتخابات در عراق می‌باشد و همان‌گونه که بیان شد، آموزش اعضای آن را آژانس انجام داده است.

سیاسی آمریکا در عراق، باید اذعان داشت که پیامد تلاش آمریکا در این راستا، سوق یافتن فضای سیاسی عراق به سمت فدرالیسم، افزایش اختلافات و تنش‌های قومی - مذهبی در فضای سیاسی و با روی کارآمدن جریان‌های شیعه نزدیک به ایران در سیاست، تضعیف حکمرانی دولت مرکزی شیعی است.

۳- ساختارسازی اقتصادی آمریکا در عراق

چشم‌انداز ساختارسازی اقتصادی عراق از منظر آمریکا براساس اصول «بازار آزاد» از جمله خصوصی‌سازی، کاهش مداخلات دولت و بازبودن سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی طراحی شده بود (کینگ، ۲۰۰۳: ۹). CPA این اصلاحات را در قالب ۱۰۰ دستور جامع پیش برد که به‌عنوان «دستورالعمل‌ها یا بخش‌نامه‌های الزام‌آور برای مردم عراق شناخته می‌شد و عدم اجرای آن عواقب کیفی و تأثیر مستقیمی در نحوه عملکرد عراقی‌ها داشت و تغییراتی در قوانین عراق ایجاد کرد» (مرجع موقت ائتلاف، ۲۰۰۳: ۲).

۳-۱- ساختارسازی در حوزه انرژی

با توجه به اینکه اولویت ساختارسازی اقتصادی آمریکا در عراق مبتنی بر احیای بخش انرژی این کشور بود، به یگان مهندسی ارتش مسئولیت داده شد تا برای احیای بخش نفت وارد عمل شود. وظیفه این یگان در این برهه زمانی نه‌تنها تلاش برای خاموش کردن آتش‌سوزی چاه‌های نفت بود، بلکه شروع مجدد تولید و صادرات نفت نیز در دستور کار قرار داشت. علاوه بر این شرکت‌ها و آژانس‌های دیگر نیز در حوزه انرژی عراق وارد شدند و فعالیت خود را از همان ابتدای اشغالگری این کشور آغاز کردند. به‌عنوان مثال در ۲۴ مارس ۲۰۰۳ با هالیبرتون یک قرارداد منعقد شد (روزنبرگ، هوروویتز و الساندرینی، ۲۰۰۷). سایر شرکت‌های نفتی هم به‌صورت تدریجی خود را به عراق رساندند. در میان شرکت‌های متعدد نفتی چهار شرکت «اکسون»، «شل»، «بی‌پی» و «شورون» به‌سرعت برای فعالیت در این کشور حاضر شدند (یزدانی و محموداوغلی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

۳-۲- ایجاد صندوق توسعه عراق^۱

همزمان با پایان تحریم‌های اقتصادی علیه عراق در ۲۲ می ۲۰۰۳ میلادی، صندوق توسعه عراق (DFI) برای مدیریت درآمد حاصل از فروش صادرات نفت عراق و هم‌چنین وجوه باقی‌مانده از برنامه نفت در برابر غذای سازمان ملل متحد و سایر دارایی‌های



1. Development Fund for Iraq (DFI)

توقیف شده از رژیم ساقط شده صدام حسین، بنابه درخواست شورای اداری موقت ائتلاف ایجاد شد. DFI تحت کنترل شورای اداری موقت ائتلاف بود و بازوی اداری نیروهای اشغالگر آمریکا به شمار می رفت. با انحلال شورای اداری موقت ائتلاف مطابق با قطعنامه ۱۵۴۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد و انتقال حاکمیت اسمی به عراقی‌ها در ژوئن ۲۰۰۴، کنترل DFI به دولت موقت عراق واگذار شد (دومین گزارش موقت IAMB، ۲۰۰۶: ۳).

پول ذخیره شده در DFI به طور عمده برای «برنامه خرید گندم، مبادله ارز، هزینه‌های لازم برای زیرساخت‌های برق و نفت، تجهیزات نیروهای امنیتی عراقی‌ها و پرداخت حقوق خدمات کشوری عراق و وزارت برنامه و بودجه عراق» هزینه می شد (ئتلاف و میلیاردها نفت عراق، ۲۰۰۴: ۱۲). صندوق توسعه عراق ۹۵ درصد درآمد حاصل از فروش نفت عراق توسط دولت را دریافت می کرد. در بودجه سال ۲۰۰۳ اشاره شده بود که صندوق توسعه ۱/۲ میلیارد دلار برای بودجه تأمین می کند. این درحالی است که پیش‌بینی درآمد حاصل از فروش نفت عراق، ۳/۴ میلیارد دلار در آن سال باشد و این مقدار بسیار بیشتر از پول موجود در DFI در آن زمان بود. عدم شفافیت صندوق توسعه عراق درحالی صورت می گرفت که فقط پل برمر می توانست هزینه‌های DFI را تأیید کند. لازم به ذکر است که به طور کلی اطلاعات زیادی در مورد DFI به صورت عمومی منتشر نشده و شورای اداری موقت عراق هم اطلاعات مربوط به هرگونه انتقال دارایی به داخل و خارج از DFI را از وبسایت خود حذف کرده است (DFI and budget revenues do not tally, 2008).

۳-۳- احیای بانک مرکزی عراق و کنترل تورم

شورای اداری موقت ائتلاف و وزارت خزانه‌داری آمریکا، نگران کنترل تورم در عراق بودند؛ چراکه می دانستند افزایش تورم می تواند باعث ناآرامی‌های سیاسی در این کشور شود. براین اساس CPA بی درنگ بانک مرکزی عراق (CBI) را که در پی غارت و آشوب گسترده در عراق تعطیل شده بود، دوباره احیا و تقویت کرد، از این رو CPA کارمندان بانک را به کار فراخواند، رئیس کل موقت را منصوب کرد و به بانک مرکزی دستور داد برای جلوگیری از افزایش تورم، سریعاً چاپ ارز جدید را متوقف کند. علاوه بر این طی چند ماه آینده، CPA به معرفی سیستم‌های جدید حسابداری، جمع‌آوری آمار در CBI پرداخت و مهم تر اینکه با صدور دستور شماره ۱۸^۱ تلاش کرد تا به بانک مرکزی عراق استقلال عمل بدهد. براین اساس به صراحت در این دستور اعلام کرد «سیاست‌های اعتباری و پولی باید از

هرگونه دخالت سیاسی یا دولتی دوری کند». در این دستور که نقش مهمی در نهادسازی اقتصادی عراق دارد، آمریکا به بانک مرکزی عراق اجازه می‌دهد نه تنها بدون تأیید وزارت دارایی اقدام به سیاست‌گذاری پولی و اعتباری و اجرای آن نماید، بلکه تنها مرجع سیاست‌گذاری در این حوزه هم قلمداد می‌شود (شماره سفارش ۱۸، ۲۰۰۳: ۱).

۳-۴- تأسیس بانک تجارت عراق^۱

آمریکا در راستای ساختارسازی اقتصادی در عراق و با اشاره به اهمیت تجارت اقتصادی برای احیای مجدد اقتصاد، ایجاد انگیزه برای رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال برای جمعیت عراق به‌منظور تأمین توسعه پایدار در این کشور، بانک تجارت عراق را با دستور شماره ۲۰ شورای اداری موقت ائتلاف در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ به‌عنوان یک نهاد مستقل دولتی برای ارائه خدمات مالی جهت تسهیل واردات و صادرات کالا و خدمات به / از عراق تأسیس کرد (شماره سفارش ۴۹، ۲۰۰۳: ۱). آمریکایی‌ها از همان ابتدا بانک تجارت عراق را به یک شرکت چندملیتی آمریکایی به‌نام JPMorgan Chase که ارائه‌دهنده خدمات مالی بود، مرتبط کردند. این شرکت سرمایه‌گذاری که به‌عنوان بزرگ‌ترین بانک در آمریکا و هفتمین بانک بزرگ در جهان از نظر مجموع دارایی‌ها به‌شمار می‌رود (زمینه، ۲۰۲۰: ۵)، در سال‌های گذشته علاوه بر اینکه به ارائه پشتیبانی فنی و دانشی بانک تجارت عراق پرداخته، اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی را از طرف این بانک عراقی صادر و تأیید می‌کرد، از این رو یکی از عناصر اصلی رشد و موفقیت بانک تجارت عراق را، باید حمایت فنی و ارائه آموزش‌های علمی این بانک آمریکایی دانست.

تسلط بر ساختار اقتصادی عراق از طریق تدوین بودجه، وضع قوانین و ساختار مالیاتی جدید، وضع قانون سرمایه‌گذاری خارجی، احیای بانک مرکزی، ایجاد بانک تجارت و صندوق توسعه عراق و دردست‌گرفتن شریان اصلی اقتصاد این کشور؛ یعنی انرژی و غارت این ثروت طبیعی، از مهم‌ترین پیامدهای ساختارسازی اقتصادی آمریکا در این کشور به‌شمار می‌رود.

۴- ساختارسازی فرهنگی - اجتماعی آمریکا در عراق

تلاش آمریکا برای انجام نهادسازی فرهنگی - اجتماعی در عراق مبتنی بر مدرن‌سازی فرهنگی این کشور است. توضیح آنکه با توجه به بافتار عشیره‌ای جامعه عراق، آمریکا برای



پیش‌برد اهداف خود در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی نیاز به جامعه‌ای دارد که نه تنها مقاومتی در برابر آمریکا نکند، بلکه به‌عنوان پایگاه اجتماعی و بدنه حامی سیاست‌های آمریکا در عراق و منطقه به‌شمار رود. در نظام عشیره‌ای که هر عشیره می‌تواند به راحتی با قدرت‌های دیگر به مخالفت و مبارزه بپردازد، چنین امکانی را به آمریکا برای نیل به اهدافش میسر نمی‌سازد، از این رو آمریکا به دنبال مدنی‌سازی جامعه عراق و تغییر ساختار اجتماعی عشیره‌ای به مدرن (مدنی) است. با توجه به اینکه جامعه مدنی غربی، مناسب‌ترین بستر برای تحقق این هدف است؛ لذا ترویج و توسعه جامعه مدنی با خوانشی مدرن در دستور کار آمریکا قرار گرفت. در این میان رکن مقوم جامعه مدنی، شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، مشارکت آن‌ها در امور مختلف جامعه و استفاده از آن‌ها به‌عنوان پل رابط و حلقه وصلی میان جامعه و دولت است. بنابراین آنچه به‌طور مشخص ساختارسازی فرهنگی - اجتماعی آمریکا در عراق به‌شمار می‌رود، ایجاد سازمان‌های جامعه مدنی^۱ و سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ برای ایجاد تغییر در فرهنگ مردم عراق است؛ تغییری که همراه با تغییر در «اذهان و قلوب»^۳ جامعه هدف است.

۴-۱- ترویج جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد

سال ۲۰۰۳ یک نقطه عطف در تاریخ سیاسی معاصر عراق به‌شمار می‌رود. در این سال تحت شعار مبارزه با تروریسم و از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی، آمریکا عراق را اشغال کرد. این اشغالگری به‌جای پایان دادن به تروریسم و افراط‌گرایی، منطقه غرب آسیا را در یک وضعیت بی‌سابقه‌ای از رشد افراط‌گرایی و خشونت به‌جای برقراری ثبات و امنیت قرار داد.

با توجه به اینکه پروژه سیاسی آمریکا برای جامعه عراق ترویج و توسعه جامعه مدنی بود؛ لذا طی سال‌های پس از اشغال عراق توسط آمریکایی‌ها، بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی شکل گرفتند. در این میان شورای اداری موقت ائتلاف برای تسهیل و قانونی کردن ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد در ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ با صدور دستور شماره ۴۵، فرمان لازم برای تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد را صادر کرد (شماره سفارش ۴۵، ۲۰۰۴: ۱). برآورد

1. Civil society organizations (CSOs)
2. Non-governmental organizations (NGOs)

۳. تعبیر «اذهان و قلوب» از جمله تعابیری است که در حوزه نرم، توجه زیادی به آن شده است. برای مطالعه بیشتر در منابع غربی می‌توان از «Winning hearts and minds» استفاده کرد.



می‌شود حدود ۸۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ سازمان جامعه مدنی در برهه اشغالگری عراق توسط آمریکا شکل گرفته باشد (لجنه تنسيق المنظمات غير الحكومية لأجل العراق، ۲۰۱۱: ۳-۴). با اشغال عراق جورج دبلیو بوش - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - در تاریخ ۶ نوامبر ۲۰۰۳، قانون اعتبارات تکمیلی اضطراری به ارزش ۷۸ میلیارد دلار را به اجرا گذاشت و مبلغ ده میلیون دلار آن را به منظور حمایت از فعالیت‌های جامعه مدنی به مؤسسه صلح آمریکا^۱ اختصاص داد. علاوه بر این، شورای اداری موقت ائتلاف هم نزدیک به ۷۳۰ میلیون دلار برای برنامه‌های مربوط به دموکراسی اختصاص داد که در حوزه‌های مبارزه با فساد، شفافیت دولت و توسعه احزاب سیاسی، مدیریت انتخابات، تقویت نهادهای دولتی عراق، ایجاد جامعه مدنی از طریق کمک‌های بلاعوض، آموزش، ظرفیت‌سازی، برنامه‌های زنان و توسعه زیرساخت‌های رسانه‌ای صرف شد. از طرف دیگر آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا، ۱۵۵ میلیون دلار برای اجرای پروژه حاکمیت محلی اختصاص داد که شامل ایجاد ظرفیت‌های ارگان‌های دولت محلی در استان‌های عراق، تقویت گفت‌وگوی دموکراتیک و ایجاد مشارکت بین نهادهای دولتی و سازمان‌های جامعه مدنی می‌شد. ده درصد از این بودجه مستقیماً به سازمان‌های نوظهور جامعه مدنی اختصاص یافت. این در حالی است که از سال ۲۰۰۴ میلادی، آژانس توسعه بین‌الملل، طرحی را برای ایجاد ظرفیت در بخش‌های اصلی جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل در عراق اجرا نمود. هدف از این طرح ایجاد جامعه مدنی روشن، پایدار و فعال است که به‌طور فعالانه و مسئولانه در دموکراسی عراق مشارکت داشته باشد (USIP, 2004: 7). علاوه بر این مؤسسه ملی دموکراتیک^۲ هم از صندوق توسعه ملی، مبلغ ۱۰۳ میلیون دلار کمک برای توسعه جامعه مدنی عراق دریافت کرد. بدین‌منظور مؤسسه ملی دموکراتیک به‌طور خاص با ۵۰ سازمان جامعه مدنی عراق همکاری گسترده‌ای را آغاز نمود (USIP, 2004: 8).

با توجه به اینکه در طراحی جامعه مدنی عراق توسط آمریکا، لازم بود تا سازمان‌های مردم‌نهاد با سازمان‌های بین‌المللی ارتباط وثیقی برقرار کنند، در این راستا سازمان‌های مردم‌نهاد عراقی توانستند از حمایت‌های مالی عظیم اهداکنندگان بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بهره‌مند شوند که به‌نوبه خود، با تقویت توانمندی‌های بالقوه سازمان‌های عراقی، زمینه‌های آموزش را برای آن‌ها فراهم می‌کرد (Génot, 2013: 37).

ایجاد تغییر در ساخت اجتماعی عراق و تبدیل آن از جامعه‌ای سنتی و عشیره‌ای به جامعه‌ای مدرن در بستر ترویج جامعه مدنی با کمک ساخت سمن‌ها، منجر به ایجاد تغییرات

1. United States Institute of Peace (USIP)
2. National Democratic Institute (NDI)



گسترده در ساحت فرهنگی و اجتماعی این کشور در دوره عراق جدید شده است. مهم‌ترین پیامد این رویداد، تغییر در باورها و ارزش‌های یک ملت است؛ تغییری که حاصل آن، شکل‌گیری تصویری مثبت از آمریکا و تصویری منفی از جریان‌های ضدآمریکایی است. با توجه به اینکه فرهنگ، زیربنای جامعه است و با در نظر گرفتن ابتدای فرهنگ بر باورها و اعتقادات، تضمین حداکثری منافع آمریکا در عراق در گرو ایجاد چنین تغییری است که حصول تمام و کمال این تغییر به معنای سرسپردگی عراق به آمریکا قلمداد می‌شود.

نتیجه‌گیری

آمریکا ضمن حمله نظامی به عراق و اشغال این کشور برای تأمین منافع خود و دستیابی حداکثری به اهدافش، تصمیم به ایجاد سازوکاری در عراق گرفت تا با تغییر دولت و کارگزاران در این کشور، کمترین تهدیدی متعرض منافع آمریکا نشود، از این رو اقدام به ساختارسازی در ابعاد کلان نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی در عراق نمود.

شرایط ایجادشده در نخستین ماه‌های اشغال عراق، آکنده از هرج و مرج و غارت و کشتار بود. در حالی که آمریکا تصور می‌کرد نیروهای پلیس - که کمتر، ابزار سرکوب ملت عراق در دوران حاکمیت بعث بوده‌اند - عرصه را خالی نخواهند کرد؛ اما چنین نشد و به‌جز در مناطق شمالی این کشور، نیروی پلیسی در لباس خدمت دیده نمی‌شد، بنابراین آمریکا اقدام به ایجاد سرویس پلیس عراق (IPS) کرد. برنارد کریک که در کارنامه خود سابقه ریاست پلیس نیویورک را داشت، مأمور تأسیس پلیس عراق شد.

نیروهای حفاظت از اماکن حساس تحت‌عنوان خدمات حفاظت از تأسیسات (FPS)، نهاد دیگری بود که آمریکا طی دستور شماره ۱۲۷ در ۴ سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی برای محافظت از زیرساخت‌هایی هم‌چون سایت‌های اطراف صنعت نفت، شبکه برق و بندر ام‌القصر، انبارها، ساختمان‌های دولتی، مدارس، بیمارستان‌ها و سایر اماکن مهم عراق ایجاد کرد. نیروهای مرزبانی متشکل از نیروهای چهارگانه پلیس مرزبانی، اداره گمرک، اداره مهاجرت و اداره ثبت احوال، نهاد سومی است که آمریکا اقدام به تأسیس آن در عراق کرد. در این میان وزارت دفاع عراق که از همان ابتدای اشغالگری با دستور شماره ۲۲ شورای

اداری موقت ائتلاف منحل شده بود، با دستور شماره ۶۷^۱ همین شورا مجدداً ایجاد و احیا شد. شکل‌گیری ارتش و نیروهای دفاع مدنی عراق نیز از دیگر نهادهایی است که توسط آمریکا به وجود آمد.

استمرار فعالیت‌های تروریستی در زمان اشغال نظامی عراق توسط آمریکا، افزایش گروه‌های تروریستی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، قدرت‌یابی دوباره امنیتی حزب بعث در عراق، بروز و ظهور داعش و سلطه بر نیمی از اراضی عراق پس از خروج نیروهای آمریکایی از این کشور و نیز شکل‌گیری ائتلاف به اصطلاح مبارزه با داعش توسط آمریکا و در نهایت عدم توفیق نیروهای عراقی در مقابله با شورش‌های ضد دولتی در این کشور، بیانگر آن است که ساختار نظامی - امنیتی ساخته آمریکا در عراق فاقد توانمندی لازم برای دفاع از تمامیت ارضی عراق در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اساساً بیش از اینکه آمریکا به دنبال توانمندسازی حوزه نظامی - امنیتی عراق باشد، تقویت نفوذ خود در ساختارهای جدید عراق را دنبال می‌کند. بر این اساس مهم‌ترین پیامد ساختارسازی آمریکا در این حوزه بر امنیت ملی عراق، شکل‌گیری نیروهای مسلح ضعیف و تسلط نسبی آمریکا بر ساختار نظامی - امنیتی عراق است.

در بعد سیاسی با روی کار آمدن شورای اداری موقت ائتلاف، تلاش‌هایی برای ایجاد شورای حکومت انتقالی و شکل‌گیری کمیته مقدماتی تدوین قانون اساسی عراق به‌عنوان ساختار سیاسی اولیه در این کشور صورت گرفت. در این میان آمریکا حداکثر تلاش خود را کرد تا اعضای دولت موقت را افراد سکولار عراقی تشکیل داده و اسلام‌گرایان حداقل جایگاهی در آن داشته باشند. آمریکا که از ابتدا با روی کار آمدن دولت مرکزی مقتدر شیعی و هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران مخالف بود، از هر ابزار و روشی بهره می‌برد تا مانع شکل‌گیری چنین دولتی شود. در این میان برای کاهش قدرت دولت مرکزی، اقدام به حمایت از شوراهای استانی و محلی نمود. بر این اساس برای تقویت این شوراهای از نهادهای آمریکایی فعال در این زمینه هم‌چون مؤسسه RTI نیز استفاده کرد و آموزش‌های لازم به اعضای شوراهای را به این مؤسسه واگذار نمود.

علاوه بر این در بعد سیاسی، آمریکا توانست ذیل پروژه پشتیبانی از انتخابات، نهاد مجری انتخابات در عراق را ایجاد کند. به عبارت دیگر آمریکا توانست با ایجاد کمیساریای عالی انتخابات نقش مستقیمی در انتخابات عراق ایفا کند. در این میان پیامدهای مهم اقدامات آمریکا در راستای ساختارسازی سیاسی در عراق بر امنیت ملی این کشور، سوق یافتن فضای سیاسی عراق به سمت فدرالیسم، افزایش اختلافات و تنش‌های قومی -



مذهبی در فضای سیاسی و با روی کارآمدن جریان‌های شیعه نزدیک به ایران در سیاست، تضعیف حکمرانی دولت مرکزی شیعی است.

در بعد اقتصادی، ساختارسازی در حوزه انرژی در صدر اولویت‌های آمریکا قرار گرفت. سپس برای تسهیل در روند نهادسازی، اقدام به ایجاد صندوق توسعه عراق نمود تا بودجه لازم که از پول عراق در بانک‌های خارجی یا درآمد حاصل از فروش نفت بود در این صندوق ذخیره شود. احیای بانک مرکزی برای کنترل تورم از گام‌های بعدی آمریکا در راستای ساختارسازی اقتصادی در عراق بود. علاوه بر این برای تسهیل در روند صادرات و واردات و ایجاد توسعه پایدار و ایجاد انگیزه اقتصادی، شورای اداری موقت ائتلاف با صدور دستور شماره ۱۲۰ اقدام به تأسیس بانک تجارت عراق نمود.

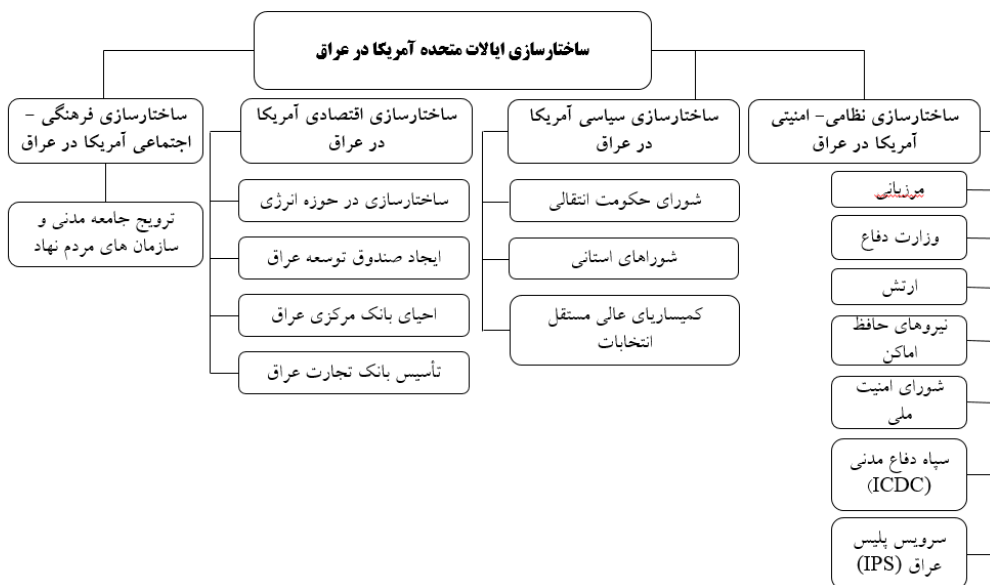
تسلط بر ساختار اقتصادی عراق از طریق تدوین بودجه، وضع قوانین و ساختار مالیاتی جدید، وضع قانون سرمایه‌گذاری خارجی و احیای بانک مرکزی، ایجاد بانک تجارت و صندوق توسعه عراق و دردست‌گرفتن شریان اصلی اقتصاد این کشور یعنی انرژی و غارت این ثروت طبیعی، از مهم‌ترین پیامدهای ساختارسازی اقتصادی آمریکا بر امنیت ملی در این کشور به‌شمار می‌رود.

سیاست آمریکا برای فضای فرهنگی - اجتماعی عراق تبدیل این کشور از وضعیت سنتی (عشیره‌ای) به مدرن بود که از آن به مدنی‌سازی تعبیر می‌شود. برای تحقق مطلوب این مهم - روند مدرن‌سازی در ساحت اجتماعی - وظیفه اصلی به‌عهده عراقی‌ها گمارده شد تا با واکنش منفی کمتری مواجه شود. شکل‌گیری جامعه مدنی نیازمند سازوکاری بومی بود، از این‌رو آمریکا اقدام به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در عراق نمود. این مسأله چنان برای آمریکا اهمیت داشت که در سال ۲۰۰۴ میلادی و در فضای مملو از ناامنی و هرج‌ومرج در عراق، پل برمر - حاکم غیرنظامی آمریکا در عراق - با صدور فرمان ۲۴۵ شورای اداری ائتلاف (CPA)، دستور تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در عراق را صادر کرد. با صدور این دستور و حمایت آمریکا در مقطع زمانی کوتاهی، هزاران سازمان مردم‌نهاد در عراق ایجاد شد. بنابراین نهادسازی فرهنگی - اجتماعی آمریکا در عراق بر پایه ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد برای ترویج جامعه مدنی در این کشور در راستای مدرن‌سازی اجتماعی و فرهنگی عراق است که دست‌یابی به این مهم، جز با شبکه‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد محقق نمی‌شد.



مهم‌ترین پیامد این رویداد، تغییر در باورها و ارزش‌های یک ملت است. تغییری که حاصل آن شکل‌گیری تصویری مثبت از آمریکا و تصویری منفی از جریان‌های ضدآمریکایی است. با توجه به اینکه فرهنگ، زیربنای جامعه است و با در نظر گرفتن ابتدای فرهنگ بر باورها و اعتقادات، تضمین حداکثری منافع آمریکا در عراق در گرو ایجاد چنین تغییری است که حصول تمام‌وکمال این تغییر، به معنای سرسپردگی عراق به آمریکا و زمینه‌سازی برای حضور بلندمدت آمریکا در منطقه قلمداد می‌شود.

شکل ۱. ساختارسازی ایالات متحده آمریکا در عراق



(منبع: نویسنده)

منابع

فارسی

- اسدی، علی اکبر، (۱۳۹۱)، روند دولت - ملت سازی در عراق جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اندیشه سازان نور.
- باقری، عبدالغنی، (۱۳۹۰)، استراتژی آمریکا در افغانستان بعد از سقوط طالبان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام خمینی (ره).
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یزدانی، عنایت الله؛ محموداوغلی، رضا (۱۳۸۸)، نقش نفت در حمله آمریکا به عراق، فصل نامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره اول.

عربی

- لجنة تسيق المنظمات غير الحكومية لأجل العراق (۲۰۱۱)، مفهوم المجتمع المدني في العراق، جنيف.
- السفارة الامريكیة في العراق، «السفارة الامريكیة و المفوضیة العليا المستقلة للإنتخابات في العراق یوقعان مذكرة تفاهم لتعزيز التعاون الثنائي»، بازديد ۹۲/۰۸/۰۸ در:

www.arabic.iraq.usembassy.gov/pr_january_21_2013.html

انگلیسی

- Associated Press (06/10/2004), Iraq Police Training a Flop.
- Barnard, Anne (01/13/2004), U.S. Trains 'New Breed' of Iraqi Border Guards, Boston Globe.
- Brinkerhoff, Derick (2007), *Governance in Post-conflict Societies: Rebuilding Fragile States*, London: Routledge.
- Booth, William and Rajiv Chandrasekaran (06/28/2003), "Occupation Forces Halt Elections Throughout Iraq", Washington Post.
- Cha, Ariana Eunjung (12/09/2003), Police Training Fact Sheet; Crash Course in Law Enforcement Lifts Hopes for Stability in Iraq, Washington Post.
- Chandrasekaran, Rajiv (07/14/2003), "Appointed Iraqi Council Assumes Limited Role," Washington Post.
- Chesterman, S., M. Ignatieff and R. Thakur (2005), *Making States Work*, New York: UN University Press.
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 2: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 18: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 27: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 45: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 49: "Dissolution of



- Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 67: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 22: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (2003), Order Number 69: "Dissolution of Entities, IRAQ, Baghdad: CPA, Available at: <http://www.cpa-iraq.org/regulations/#Orders>
- Coalition Provisional Authority (CPA) (07/18/2003), Achieving the Vision: Taking Forward the CPA Strategic Plan for Iraq, July 18, 2003, p. 1. A fifth pillar, strategic communications, was subsequently added.
- Daniszewski, John (04/27/2003), "Baghdad Is Asking, Where Are the Police?" *Los Angeles Times*.
- Cordesman, Anthony H (04/06/2004), One Year On: Nation Building in Iraq, CSIS Working Paper, available at <http://www.csis.org>, accessed May 2004.
- Daragahi, Borzou (01/06/2004), Disbanded Army Draws Praise, Condemnation, *Washington Times*.
- Dempsey, Gary T (2002), *Old Folly in a New Disguise; Nation- Building to Combat Terrorerism*, Policy Analysis, No. 429.
- DFI and budget revenues do not tally* (07/08/2008), Available at: <http://www.iraqrevenuewatch.org/reports/080503.pdf>
- Dreazen, Yochi J. (12/10/2003), "Insurgents Turn Guns on Iraqis Backing Democracy," *Wall Street Journal*.
- Fineman, Mark (05/03/2003), U.S. Forces Eager to Relinquish Baghdad Beat, *Los Angeles Times*.
- Fineman, Mark, Veith, Warren & Wright, Robin (08/24/2003), Dissolving Iraqi Army Seen by Many as a Costly Move, *Los Angeles Times*.
- Fuelling suspicion: the coalition and Iraq's oil billions (2004), available at: http://www.christianaid.org.uk/indepth/406iraqoilupdate/Fuelling_Suspicion.pdf
- Génot, Cécile (2013), International NGOs in Iraq: Actors or Witnesses in the Evolution of the Iraqi NGO Sector, Geneva: NGO Coordination Committee for Iraq.
- Gettleman, Jeffrey (06/04/2004), U.S. Training a New Iraqi Military Force to Battle Guerrillas at Their Own Game, *New York Times*.
- Graham, Bradley & Chandrasekaran, Rajiv (11/07/2003), Iraqi Security Crews Getting Less Training, *Washington Post*.
- Harris, Kent (06/25/2003), Army Training Iraqis For Guard Duty, Available at: <https://www.stripes.com/news/army-training-iraqis-for-guard-duty-1.6936>
<http://www.globalsecurity.org/military/world/iraq/iraq-corps3.htm>
- IRDC (2007), "The Iraqi Reconstruction and Development Council," Middle East Reference. As of October 2007: <http://middleeastreference.org.uk/irdc.html>
- Johnson, Keith & Barrionuevo, Alexei (06/26/2003), U.S. Declares Local Force Will Police, *Wall Street Journal*.
- Jontz (06/09/2003), U.S. Gives Iraqi Police 3,000 Radios; Williams Daniel, Lack of Security Hampers Efforts to Aid Baghdad Police, *Washington Post*.
- King, Neil Jr (2003), Bush Officials Devise a Broad Plan For Free-Market Economy in Iraq, *New York: Wall Street Journal*.
- Koch, Andrew (07/16/2003), Iraq Occupation: Questions Remain, *Jane's Defence Weekly*.
- Natsios, Andrew S (06/04/2004), RTI Gets Contract Extension for Iraq Rebuilding,



- Administrator, U.S. Agency for International Development, Senate Foreign Relations Committee.
- Pelham, Nicholas (12/12/2003), Rival Former Exile Groups Clash over Security in Iraq, London: Financial Times.
- Peterson, Scott (07/15/2003), U.S. Shifting Guard Duty to Former Iraqi Soldiers, Christian Science Monitor.
- Pisik, Betsy (05/15/2003), U.S. Sees Organized Crime in Baghdad, Washington Times.
- Priest, Dana (09/05/2003), Iraqi Role Grows in Security Forces, Washington Post.
- Research Triangle Institute (RTI) (2007), "USAID Assistance for Iraq" and "Strengthening Local Governance in Iraq." As of October 2007: <http://www.usaid.gov/iraq/http://www.rti.org/page.cfm?nav=356&objectid=91AD4ED9-F623-4C93-8CCF98BA9F7C82F5>
- Richey, Warren (05/12/2003), Efforts to Make Progress Tangible to Iraqis, Christian Science Monitor.
- Rosenberg, Elizabeth, Adam Horowitz and Anthony Alessandrini, "Iraq Reconstruction Tracker", Middle East Report, No. 227, Summer 2003. As of October 2007: http://www.merip.org/mer/mer227/227_reconstruction.html.
- Second interim IAMB report (2006), available at: http://www.iamb.info/pdf/iamb_12142006.pdf
- Shanker, Thom (09/18/2003), U.S. Is Speeding Up Plans for Creating a New Iraqi Army, New York Times.
- Sheridan, Mary Beth (04/25/2003), For Help in Rebuilding Mosul, U.S. Turns to Its Former Foes, *Washington Post*.
- Squitieri, Tom & Carey, Glen. C (09/19/2003), U.S. Pushing to Transfer Security Duties, USA Today.
- Tavernise, Sabrina (05/06/2003) "A Northern Iraqi City Chooses an Interim Government," New York Times.
- Tyler, Patrick E (06/24/2003), U.S.-British Project: To Build a Postwar Iraqi Armed Force of 40,000 Soldiers in 3 Years, New York Times.
- USAID (2007), A Year in Iraq, As of October 2007: <http://www.usaid.gov/iraq/pdf/AYearInIraq.pdf>
- USAID (2008), "Democracy in Iraq: Building Democracy from the Ground Up," Available at: http://www.usaid.gov/iraq/pdf/iraq_demgov_0504.pdf
- USAID (2013), Project Description. Retrieved From <http://map.usaid.gov/ProjectDetail?id=a0cd000000am0JAAQ>
- United States Institute of Peace (USIP) (2004), Donor Activities and Civil Society Potential in Iraq: Special Report, Washington DC: United States Institute of Peace, No. 124.
- Wilson, Scott (03/18/2004), "Iraqi Council's Leader Is Slain," Washington Post.
- Williams, Carol J (08/28/2003), "Iraqi Council's Most Pressing Task: Legitimacy," Los Angeles Times.
- Zarmina, Ali (04/07/2020). "The world's 100 largest banks". Standard & Poor. Available at: <https://www.spglobal.com/marketintelligence/en/news-insights/latest-news-headlines/the-world-s-100-largest-banks-2020-57854079>
- Zoroya, Gregg (10/21/2003), "Danger Puts Distance Between Council, People," USA Today.

